

بررسی نقش آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مقطع راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران سال ۸۵-۸۴

لیدا کاکیا^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش آموزش والدین به نوجوانان ناسازگار در ایجاد سازگاری آنان در شهرستان‌های استان تهران طرح و اجرا گردید. ابتدا از معلمان و مسئولان شش مدرسه راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران تقاضا شد تا دانش‌آموزان ناسازگار خود را براساس ملاک‌های پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز معرفی نمایند. در مرحله بعد از والدین دانش‌آموزان ناسازگار نیز دعوت شد تا به پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین در مورد رفتار نوجوانان خود در محیط خانه پاسخ دهند. در صورتی که نظرات هر دو گروه (والدین و معلمان) در جهت تشخیص ناسازگاری نوجوانان همخوانی و هماهنگی کلی وجود داشت، دانش‌آموزان ناسازگار در لیست نهایی افراد نمونه قرار می‌گرفتند. به این ترتیب چهل نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. البته شش مدرسه راهنمایی نیز به روش تصادفی از بین مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران انتخاب گردید. روش انجام پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون بدون گزینش تصادفی است که شامل مقایسه عملکرد رفتاری گروه آزمایش با گروه کنترل است. بدین صورت که ابتدا از هر دو گروه آزمایش و کنترل پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین به عنوان پیش‌آزمون به عمل آمد و سپس به مدت دو ماه با والدین گروه آزمایش جلسات آموزش خانواده ترتیب داده شد. در مرحله پایانی، هم گروه آزمایش و هم گروه کنترل با پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین (که توسط پژوهشگر در بین نوجوانان مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران هنجاریابی شده است) مورد ارزیابی قرار گرفتند که به عنوان پس‌آزمون آنان منظور گردید. تحلیل نتایج با روش آزمون t نشان داد که از لحاظ آماری تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر یک از گروه‌های آزمایش و کنترل وجود دارد. بدین معنا که آموزش خانواده در مورد والدین نوجوانان ناسازگار در ایجاد سازگاری آنان مؤثر است.

با توجه به این که در حال حاضر تعداد نوجوانان و جوانان زیر ۲۴ سال در کشورمان در حدود یک‌سوم کل جمعیت را در برمی‌گیرد، به طوری که کشور ایران را در زمره کشورهای جوان جهان قرار می‌دهد، شناخت مسائل و مشکلات رفتاری نوجوانان و جوانان، هم‌چنین یافتن بهترین و مناسب‌ترین روش‌های تعامل با آنان در جهت حفظ و ارتقای بهداشت روانی این گروه سنی در زمان حال و آینده حائز اهمیت فراوانی است.

کلیدواژه‌ها: آموزش خانواده، نوجوان، سازگاری، ناسازگاری، والدین

^۱ - کارشناس ارشد تعلیم و تربیت تطبیقی و بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

آغاز زندگی انسان، یعنی همان دوران جنینی، دوره‌ای است که جنین وابستگی محض به مادر دارد و به تدریج که از عمر او می‌گذرد به سوی استقلال پیش می‌رود، به طوری که در دوره‌های بعدی به تدریج وابستگی رنگ می‌بازد و در عوض، استقلال، برجسته و نمایان می‌شود. در میان دوره‌های رشد انسان، نوجوانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، زیرا آخرین مرحله رشد فرزندان است که طی آن والدین و مربیان می‌توانند فعالانه آنان را یاری کنند تا مسیر زندگی خود را بیابند؛ آخرین مرحله‌ای است که والدین می‌توانند سرمشقی روزانه برایشان باشند؛ فعالیت‌های خانوادگی ترتیب دهند؛ فرصت‌های مناسب فراهم کنند و با فرایند آموزش تماس مستقیم داشته باشند. در پایان این دوره اغلب نوجوانان به دنبال کار می‌روند، وارد دانشگاه می‌شوند، ازدواج می‌کنند و به طور خلاصه وارد دنیای مستقل خود می‌شوند (کلمز، ترجمه علیپور، ۱۳۸۰). دوران نوجوانی، هم از نظر نوجوانان و هم از نظر والدین، از قدیم، دورانی دشوارتر از سال‌های کودکی قلمداد شده است و این دوران مرحله پرکشمکش و گاه دشواری زندگی است. چرا چنین است؟ اولین و آشکارترین پاسخ این است که نوجوانی و به خصوص سال‌های اول نوجوانی قبل از هر چیز دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. این ناعادلانه است که درست در زمانی که نوجوان با سرعت بی‌سابقه‌ای بلوغ جسمانی را می‌گذراند، اجتماع از او می‌خواهد که مستقل باشد. نوجوانان علاوه بر کنار آمدن با همه این تغییرات رشدی باید بکوشند تا هویتی برای خود کسب کنند، پاسخ شخصی برای این سؤال قدیمی بیابند که «من کیستم؟» (هنری ماسن و دیگران، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۰).

ادامه رشد شناختی که شامل آغاز مرحله عملیات صوری است، به نوجوان این امکان را می‌دهد که انتزاعی‌تر فکر کند، فرضیه‌ها را فرمول‌بندی و آزمایش کند و بتواند به جای این که صرفاً آنچه را وجود دارد در نظر داشته باشد، احتمال را نیز در نظر بگیرد. این توانایی‌ها معمولاً نوجوانان را به انتقاد از ارزش‌های والدین و ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد. تفکر و رفتار نوجوان نیز ممکن است خودمدارانه باشد. آنها در این مرحله ممکن است چنین نتیجه‌گیری کنند که دیگران هم به اندازه خود آنها به رفتار و

ظاهرشان توجه می‌کنند. رشد شناختی نوجوانان نیز در رشد شخصیت و شکل‌گیری احساس هویتی روشن، نقش مهمی دارد (هنری ماسن و دیگران، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۰).

استقلال از خانواده از تکالیف نوجوانان است. والدین قاطع و اطمینان‌بخش که برای خودمختاری و رفتار منضبط، به یکسان ارزش قائلند برای نوجوانان توضیح می‌دهند که چرا از او انتظاراتی دارند و یا او را از کارهایی منع می‌کنند و با این کار احساس استقلال را در او پرورش می‌دهند. نوجوانانی که والدین مستبد و خودکامه دارند و صرفاً به فرزندان می‌گویند که چه باید بکنند و نیز فرزندان والدین سهل‌گیر، بی‌بند و بار، مساوات‌طلب و یا والدین بی‌اعتنا که غیرمسئول و بی‌توجه هستند به مشکلات بسیاری دچار می‌شوند. از آن جهت که پیوند نوجوانان با والدینشان به تدریج ضعیف‌تر می‌شود، همسالان در رشد روانی آنها نقش حساسی می‌یابند. همسالان امکاناتی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی، کنترل رفتار و در میان گذاشتن مشکلات و احساسات مشابه فراهم می‌کنند. پذیرفته شدن از سوی همسالان و داشتن چند دوست نزدیک در زندگی نوجوان اهمیت بسیاری دارد. دوستان نزدیک هم‌سن و هم‌جنس هستند و در زمینه‌های خانوادگی، ارزش‌ها و هدف‌های مشابهی دارند، ولی استثنا وجود دارد. به طور کلی، نوجوانان همسالانی را ترجیح می‌دهند که بشاش، انعطاف‌پذیر، خوش‌طینت و مشتاق باشند. افرادی از نظر آنان محبوب‌ترند که به دیگران یاری می‌دهند تا احساس کنند از سوی سایرین پذیرفته شده‌اند. روابط ضعیف با همسالان در دوران کودکی و نوجوانی، موجب ناسازگاری‌های عاطفی دوران بزرگسالی است، بزهکاری، اختلالات در سازگاری جنسی و سایر رفتارهای ناسازگارانه است. نوجوانانی که می‌توانند نقش‌های اجتماعی و فردی متنوعی را ایفا کنند از لحاظ اجتماعی و عاطفی برای زندگی آتی و ازدواج مهیاترند (هنری ماسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۰).

بیان مسئله

بدون تردید لازمه هر تحول عمیق و فراگیر فرهنگی در هر جامعه، تغییر و تحول بنیادی در نظام آموزشی آن جامعه است و تحول اساسی در برنامه‌های آموزشی و پرورشی مدارس در گرو همخوانی نظام ارزشی حاکم بر خانواده و مدرسه و آمادگی

ذهنی و تمایل اولیا در همراهی و همگامی با برنامه‌ریزان و مربیان مدارس است. اغلب افراد، والدین را به خاطر داشتن نوجوان ناراحت، شرور، ناآرام، ناموفق و مشکلاتی که آنان احتمالاً به وجود می‌آورند، مورد سرزنش قرار می‌دهند. حتی متخصصان تعلیم و تربیت پس از مطالعه و بررسی دقیق آمار مربوط به نوجوانانی که دارای مشکلات عاطفی - روانی و یا احتمالاً قربانیان بزهکاری هستند، والدین را مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهند و غالباً گناه را به گردن آنان می‌اندازند. در این‌جا این پرسش اساسی مطرح می‌شود: چه کسی به والدین کمک می‌کند و چه کوشش‌ها و تدابیری برای کمک و آموزش در جهت ارائه روش‌های مؤثر تربیت فرزندان آنها صورت گرفته است؟

لذا در این راستا و با توجه به اهمیت پاسخ‌گویی به این پرسش‌های مهم و تعیین‌کننده، برای محقق سؤالات زیر مطرح هستند:

آیا آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مؤثر است؟

آیا آموزش خانواده در بهداشت روانی خانواده مؤثر است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

نوجوانان و جوانان جمعیت زیادی را در سطح جهان تشکیل می‌دهند. تخمینی که توسط آمار یونسکو در این زمینه زده شده است نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ افراد گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله از ۴۱۵ میلیون نفر به ۱/۲۸۰/۰۰۰/۰۰۰ بالغ گردیده است. علاوه بر این، بیشترین رقم از این تعداد در جهان سوم هستند و کشور ما، ایران، در حدود یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند که نمی‌توان این جمعیت انبوه و فعال را نادیده گرفت (احمدی، ۱۳۷۱). مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان در جوامع مختلف و فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است. مسائلی که نوجوانان روستایی دارند با مسائل نوجوانان شهری یکی نیست، حتی نوجوانان و جوانانی که در یک شهر بزرگ زندگی می‌کنند اما تابع خرده‌فرهنگ‌های گوناگون هستند و پایگاه‌های اجتماعی متفاوتی دارند دارای مشکلات مشابه نیستند و اصولاً آن‌چه در یک‌جا مسئله محسوب می‌شود، ممکن است در جای دیگر مسئله نباشد. مشکلات این دوره گاهی چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته می‌شوند و هر یک به دیگری ختم می‌گردند. انباشته شدن مشکلات خطری است که نوجوان و جوان را تهدید می‌کند و برای آنها مسئله‌ساز

می‌شود و اگر به موقع به آنها توجه نشود و مشکل برطرف نگردد با مشکل دیگری پیوند می‌خورد و ممکن است سبب بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی و حتی بزهکاری آنها گردد و به عواقب ناخوشایند ختم شود (خدایاری فرد، ۱۳۸۱). خانواده اولین و مهم‌ترین پایگاه در رشد عواطف نوجوانان به حساب می‌آید. وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، میزان تحصیلات والدین، آداب و رسوم، تعداد اعضای خانواده، آرزوها و ایده‌آل‌های والدین از جمله عوامل مؤثر در رشد عواطف نوجوانان محسوب می‌شوند. نوجوان باید افکار و وابستگی‌ها و روابط دوران کودکی را رها سازد و مهارت‌های جدید کسب کند. انتقال موفقیت‌آمیز از دوره کودکی به دوره نوجوانی که به تغییر در مفهوم خویشتن نیاز دارد بدون کمک اطرافیان و خصوصاً والدین آگاه و مطلع میسر نیست و نوجوان برای انطباق با محیط و شناخت و برآورد اطرافیان، به راهنمایی افرادی آگاه و بصیر نیاز دارد. خانواده به علت تماس نزدیک با نوجوان می‌تواند او را به سوی صفا و صمیمیت و یا کینه و نفرت سوق دهد. اگر والدین به اهمیت نقش خود در تربیت نوجوانان پی ببرند و شیوه‌های صحیح را بیاموزند و آن‌ها را به کار برند، بسیاری از اختلالات رفتاری و عاطفی در نوجوانان به وجود نخواهد آمد (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۳).

هدف پژوهش

بررسی نقش آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مقطع راهنمایی تحصیلی دخترانه شهرستان‌های استان تهران.

فرضیه پژوهش

این پژوهش دارای یک هدف و فرضیه اصلی است:
آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار دختر در مقطع راهنمایی مؤثر است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

در این قسمت ابتدا مفاهیم اصولی و مبانی نظری مربوط به موضوع پژوهش را مطرح می‌کنیم و سپس مطالعات و پژوهش‌های داخل و خارج از کشور را در مورد عنوان تحقیق به اختصار بیان می‌کنیم.

آموزش خانواده نوعی تعلیم و تربیت گروهی است که برنامه‌های آموزشی وسیعی را شامل می‌گردد و به آن‌ها کمک می‌کند تا دانش و توانایی‌های خود را در زمینه پرورش و تربیت کودک و نوجوان به نحوی مطلوب گسترش دهند. آموزش خانواده همچنین تا حدود زیادی جنبه پیشگیری دارد و از ایجاد ناسازگاری‌های اجتماعی و عاطفی جلوگیری می‌کند و به پیشرفت و بهبود سلامت روانی کودک و نوجوان کمک می‌کند. در آموزش خانواده نیز مانند آموزش انفرادی سعی بر آن است که آن‌ها با اصول و مفاهیم رشد کودک و نوجوان و نحوه رفتار با کودک و نوجوان در حالات مختلف آشنا شوند و مشکلات و ناسازگاری‌های کودک و نوجوان در سنین مختلف زندگی را بشناسند و روش‌های برخورد با هر یک را فرا گیرند.

هدف اصلی این جلسات آن است که والدین به صورت گروهی کمک شود تا مسائل و مشکلات نوجوانان‌شان را در اجتماع مطرح سازند و پس از بحث و بررسی گروهی درباره آن و یافتن راه‌حل‌های اجتماعی بتوانند یادگرفته‌های خود را در داخل خانواده درباره نوجوانان‌شان پیاده کنند (کاکیا، ۱۳۸۴). مخاطب جلسات آموزش خانواده، اولیای کودکان و نوجوانان هستند که در این پژوهش هدف تأثیر آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار است، لذا به توضیح دوره نوجوانی می‌پردازیم.

نوجوانی، به دوره گذار از کودکی به بزرگسالی اطلاق می‌شود. این دوره مرزهای سنی مشخصی ندارد، اما تقریباً از دوازده سالگی آغاز می‌گردد و تا آخرین سال‌های دهه دوم زندگی که رشد جسمانی کم و بیش کامل می‌شود، ادامه می‌یابد. در این دوره نوجوان به بلوغ جنسی دست می‌یابد، هویت فردی خود را جداً از هویت خانوادگی‌اش بنا می‌نهد، و با مسئله تأمین معاش خود روبه‌رو می‌شود (اتکینسون، ترجمه براهنی، ۱۳۷۱). نوجوانی دوره‌ای است حد فاصل میان کودکی و بزرگسالی. حدود و همچنین طول مدت آن چندان مشخص نیست و بسته به افراد و جوامع گوناگون تغییر می‌کند. شروع آن همراه با بلوغ جنسی است، اما بر طبق آنچه معمول است می‌توان گفت دوره نوجوانی، از دوازده تا تقریباً هجده الی بیست و یک سالگی، به درازا می‌کشد (احدی و محسنی، ۱۳۷۱).

در فرهنگ غرب، به نوجوانان در فاصله سنی سیزده تا نوزده سال «تین ایجر»^۱ می‌گویند. یعنی کسانی که سن‌شان به تین ختم می‌شود و این گروه از سیزده تا نوزده سال را در برمی‌گیرد (شرفی، ۱۳۸۱). نوجوانی معادل واژه addolecent است؛ از زبان لاتین مشتق شده و به معنای رشد کردن است، در ساده‌ترین تعریف می‌توان آن را به گروهی سنی اطلاق کرد که بین دوران کودکی و بزرگسالی هستند و این خود دامنه وسیعی را در برمی‌گیرد (کراو و کراو^۲، ۱۹۶۵). نوجوانی که با تغییرات گوناگون در زمینه‌های متعدد همراه است یکی از بحرانی‌ترین ادوار زندگی به حساب می‌آید. چون عوامل زیستی - روانی - اجتماعی توأم در بروز دوره نوجوانی دخالت دارند، نوجوانی رفتار و عملکرد را نمی‌توان تنها از یک دیدگاه مطالعه و بررسی کرد، بلکه باید به تمام جوانب و ابعاد وجودی او توجه شود (شفیع آبادی، ۱۳۸۰).

با بررسی ریشه‌های تاریخی مطالعات مربوط به نوجوانی می‌توان خلاصه چنین استنباط کرد که در ابتدا توجه به تغییرات فیزیولوژیک و جسمانی بوده است و بلوغ را پدیده‌ای منحصرأ فیزیولوژیکی و جسمانی می‌دانسته‌اند اما به تدریج مسائل روانی و اجتماعی نیز مد نظر قرار گرفته است (احدی و محسنی، ۱۳۷۱).

رشد جسمانی و جنسی: رشد و نمو جسمانی در نوجوانی با رشد جهشی در اوایل نوجوانی شروع می‌شود. دیگر تغییرات جسمانی و روان‌شناختی که در طی این زمان روی می‌دهد سبب می‌شود تا کودکان از نظر شکل بدنی، صفات، نیرومندی و کارکرد، مشابه بزرگسالان شوند. تفاوت‌های بین دو جنس از نظر شکل و دیگر صفات بدنی در این زمان آشکارتر است. برخی تفاوت‌های جنسی، نظیر تفاوت در نیرومندی و هماهنگی بدنی، احتمالاً تا حدی به علت انتظارات اجتماعی متفاوت برای دو جنس است. بلوغ، نشان دهنده آغاز نوجوانی است (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

رشد هوشی و شناختی: رشد هوشی تا اواخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی ادامه می‌یابد و به نقطه اوج خود می‌رسد. هم‌چنین بهره هوشی در طول زندگی ثابت نمی‌ماند. پیازه فرایند رشد تفکر را به چهار مرحله تقسیم می‌کند. نوجوانی با پیدایش تفکر صوری، یعنی آخرین مرحله رشد شناختی، متقارن است تفکر منطقی در مورد عقاید و

1- teenager

2- Crow and Crow

مفاهیم انتزاعی در این مرحله شروع می‌شود. تفاوت‌های جنبی در هوش دیده نشده است (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

اجتماعی شدن و رشد شخصیت: اجتماعی شدن به فرایند پیچیده یادگیری، انطباق و سازگاری یک عضو با یک جامعه خاص اشاره دارد. فرایند اجتماعی شدن در نوجوانان اهمیت خاصی دارد، زیرا آنها در حال بلوغ جسمانی، هوشی و هیجانی‌اند و لذا قادر به فراگیری مهارت‌هایی هستند که آنها را برای پذیرش نقش‌های بزرگسالان در جامعه مهیا می‌کند. بیشتر این رشد در حوزه شخصیت روی می‌دهد. ماهیت دوره نوجوانی تحت تأثیر پیوستگی بین نقش‌های کودکان و بزرگسالان، سرعت تغییرات اجتماعی و پیچیدگی یک فرهنگ خاص است. لوین دوره نوجوانی را به یک «زندگی برزخی و حاشیه‌ای» تشبیه می‌کند، چرا که فرد نه کودک است و نه بزرگسال. برخی عوامل اجتماعی‌کننده که در دوره نوجوانی مهم هستند، عبارتند از: والدین، همسالان، رسانه‌های گروهی، مدرسه و مذهب. بسته به ماهیت تعامل بین این عوامل و نوجوانان، رشد ممکن است تقویت یا بازداری شود. برخی از تحولات مهمی که در طی نوجوانی در شخصیت روی می‌دهند عبارتند از: تغییر در مفهوم خود، عزت نفس و هویت، بلوغ هیجانی و تغییر در علایق (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

بلوغ به مفهوم بحران: بلوغ که در دوره نوجوانی ظاهر می‌شود به عنوان رشد سریع و تغییرات چشمگیر در اندازه‌های بدن مشخص شده است (شرفی، ۱۳۷۰). بلوغ یک پدیده چند بُعدی است: بلوغ جسمی، بلوغ جنسی، بلوغ روانی، بلوغ عرفی، بلوغ شرعی، بلوغ اقتصادی، واژه «crisis» به معنای بحران که از واژه یونانی krisis مشتق شده است. (krisis در زبان یونانی به معنی لحظه‌ای که حکم در دادگاه خوانده می‌شود) تغییرات قاطعی را می‌رساند که در جریان یک تحول پیش می‌آید و نمودار دگرگونی‌های عمیق است. تعریف علمی که از نوجوانی به عنوان یک دوره بحرانی معمول شده است حاصل پژوهش‌های استرن^۱ و سایر روان‌شناسان آلمانی است. به نظر آنان نوجوانی زمان کشف یا به عبارت بهتر آگاهی از ارزش‌های فرهنگی و معنوی است. به دلیل عدم تکامل شخصیتی و عدم تکامل شکل‌گیری نگرش شخصیتی نوجوان نسبت به زندگی کشمکش‌ها و تعارض‌های ناشی از این آگاهی، دوره و حالتی منقلب و بحرانی را برای

نوجوان به وجود می‌آورد (احدی و محسنی ۱۳۷۱). هویر^۱ یکی از روان‌پزشکان مشهور فرانسه، معتقد است نوجوانی با تغییرات و کیفیات واقعاً تازه و مهمی در زندگی روانی همراه نیست و بیشتر می‌توان آن را پایان یک تحول و آغاز یک حالت دانست تا یک دوره ابتدایی و طوفانی.

نظریه کلمان^۲ درباره بحران: در نظریه کلمان که اساساً آماری است و با تحلیل‌های ترستون^۳ مشابهت دارد، هر یک از مسائل نوجوانی (مانند سازگاری با تغییرات بدنی، تعارض با اولیا، تشویق ناشی از مقابله و جذب شدن در گروه همسن و جز اینها) در یک سن تقویمی خاص به حداکثر یا به اوج تنش خود می‌رسد که این سن، هم برحسب مسائل گوناگون نوجوانی، متفاوت و تغییرپذیر است. با این حال تفاوت‌های افراد در «اوج تنش» براساس «حد متوسط» سن (یعنی سنی که یک مسئله خاص با فراوانی بیشتر در یک گروه دیده می‌شود) قرار دارد. از این رو، هرگاه برای فرد یا افرادی، سن اوج تنش برای چند مسئله هم‌زمان باشد، برای آن فرد یا افراد، سازگاری یافتن مشکل‌تر می‌شود و دچار بحران می‌شود. به بیان دیگر «بحران بلوغ» ناشی از تداخل زمانی چندین مسئله و در پی آن لزوم چندین سازگاری است که با هم ظاهر می‌شوند و به همان نسبت سازگاری نهایی را دچار مشکل می‌سازند در حالی که وقتی مشکلات پی‌درپی ظاهر شوند، یعنی سن اوج آنها با یکدیگر تداخل نداشته باشد، نوجوان خیلی آرام‌تر می‌تواند خود را با وضع جدیدش، یعنی مسائل خاص در زمان‌های گوناگون، سازگار سازد و یا به بیان دیگر مغروق در تعارض‌های متعدد و تلاش‌های سازگاری جویانه نشود (احدی و محسنی، ۱۳۷۱).

شکل‌گیری هویت: یکی از مسائل عمده که نوجوان با آن روبه‌رو می‌شود، مسئله شکل‌گیری هویت فردی اوست، و این بدان معناست که او باید به سؤال‌هایی نظیر «من کیستم؟»، «به کجا می‌روم؟»، پاسخی بدهد. جست‌وجوی هویت شخص متضمن این است که شخص تشخیص دهد که برای او چه چیزهایی مهم و چه کارهایی ارزشمند است و نیز متضمن تنظیم معیارهایی است که وی براساس آنها بتواند رفتار خود و دیگران را هدایت و ارزیابی کند. علاوه بر این‌ها، این جست‌وجو، تکوین احساس

1- Heuyer

2- Kelman

3- Terston

خودشکوفایی و شایستگی را نیز در برمی‌گیرد. احساس هویت شخصی در نوجوان به تدریج بر پایه همانندسازی‌های گوناگون دوران کودکی تکوین می‌یابد. ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی کودکان خردسال تا حدود زیادی همان است که والدین آنها نیز دارند. اصولاً احساس عزت نفس در کودکان از نگرش والدین‌شان نسبت به آنها نشأت می‌گیرد. با ورود به دنیای وسیع‌تر دبیرستان، کودکان به صورت فزاینده‌ای به ارزش‌های گروه همسالان خود و هم‌چنین به ارزیابی‌های معلمان و سایر بزرگسالان بیشتر ارجح می‌نهند. نوجوانان از راه جمع‌بندی این ارزش‌ها و ارزیابی‌ها می‌کوشند تصویر یکپارچه‌ای از خود به دست آورند. هر اندازه ارزش‌هایی که از سوی والدین، معلمان و همسالان ابراز می‌شود همخوانی بیشتری با هم داشته باشند، به همان نسبت کار هویت‌یابی نوجوان آسان‌تر پیش می‌رود.

استقلال در نوجوانی: پیش رفتن به سوی استقلال از تکالیف اصلی نوجوانان است، به خصوص در جامعه آمریکا که برمتکی بودن به خود تاکید فراوانی می‌شود. در جاهای دیگر نیز اگر نوجوان نتواند تضاد بین تداوم احساس وابستگی و میل به استقلال را حل کند دچار مشکلاتی خواهد شد. اگر نوجوان نتواند در حدی منطقی از والدین خود جدا شود و استقلال به دست آورد، به سختی می‌تواند با همسالانش روابط معقولی برقرار کند. یا در آینده رفتار جنسی معقولانه‌ای داشته باشد علاوه بر این‌ها جهت‌گیری شغلی و احساس هویت او نیز دچار مشکلاتی خواهد شد. نوجوان برای دست‌یابی به همه این‌ها باید از خود، تصویری به عنوان شخصی منحصر به فرد، ثابت‌قدم و با صداقت داشته باشد. استقلال واقعی از والدین، کار چندان ساده‌ای نیست. انگیزه‌ها و مشوق‌های وابستگی و استقلال، هر دو قوی هستند و باعث می‌شوند که نوجوان دچار تضاد شود. البته این مسئله که نوجوان تا چه حد در مواجهه با مستقل شدن دچار مشکل می‌شود به طور کلی به سه چیز بستگی دارد:

الف) نگرش‌های کلی اجتماعی درباره استقلال نوجوانان در فرهنگی که نوجوان در آن زندگی می‌کند.

ب) شیوه‌های فرزند پروری و الگوهای رفتاری که والدین نوجوان به او نشان می‌دهند.

ج) کنش متقابل با همسالان و حمایت آنان از مستقل شدن نوجوان (ماسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۳).

شیوه‌های فرزندپروری: پدر و مادر اولین کسانی هستند که زیربنای شخصیت سالم یک نوجوان را بنا می‌نهند. معمولاً والدین، نوجوان خود را به صورت کودک می‌نگرند؛ مثل این که گذشت زمان تغییری در وی نداده است. عدم درک نوجوانان باعث کشمکش بین آن‌ها و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانه اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضا خانواده را مورد سؤال قرار دهند و نوجوان آن کودک سر به راه قبلی نیست و در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کند (احدی، ۱۳۸۳). از جمله خصوصیات دوره نوجوانی مخالفت است؛ نوجوان با افراد ذی‌نفوذی که در اطراف او هستند به مخالفت برمی‌خیزد. والدین نیز در دایره مخالفت وی قرار دارند. این مخالفت به خاطر تشخیص‌طلبی یا کسب استقلال یا جداسازی خود از دیگران است. مخالفت در پسران شدیدتر از دختران است. این امر شاید به دلیل جرأت و قدرتی است که پسران در طول رشد خود کسب می‌کنند (احدی، ۱۳۸۳).

طبق تحقیقات متعدد، حدود ۸۵٪ والدین به نوعی نوجوانان خود را ناسازگار می‌دانند. چنین برداشتی از نوجوانان باعث رفتار خاصی در والدین می‌شود. آنچه مهم است فهم این ناسازگاری و دلایل آن است که به والدین کمک می‌کند تا رابطه بهتری با نوجوانان خود برقرار کنند (احدی، ۱۳۸۳). نوجوانان هم به سهم خود رفتار والدین را قبول ندارند و آنان را از نظر نوع رفتار تایید نمی‌کنند. پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که اعتقاد فرزندان نسبت به تأیید رفتار والدین در پسران و دختران کمتر از میانگین ۱/۵ است. هیچ‌یک از فرزندان در طبقات مختلف اجتماعی به طور کامل رفتار والدین خود را تأیید نمی‌کنند و اصولاً درجه قبول رفتار والدین و فرزندان کم است. در این وضعیت ناهمگون که والدین، نوجوانان را ناسازگار می‌پندارند و نوجوانان هم رفتار والدین را قبول ندارند، امکان وقوع بسیاری از حوادث ناگوار برای نوجوانان وجود دارد. نوجوان براساس تغییرات بلوغ و بحران هویت، رفتاری ناسازگارگونه دارد. والدین افرادی هستند که با ارتباط صحیح با وی می‌توانند به او کمک کنند تا از این سن پرآشوب بگذرد. نوجوان به تفاهم نیاز دارد و باید به او کمک شود تا به استقلال همه‌جانبه

برسد (احدی، ۱۳۸۳). دیانا بام رنید از دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۷۳)، مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهای از شیوه‌های فرزندپروری والدین مشخص شد. این مجموعه بررسی‌ها با مقایسه بین والدین سه گروه کودک آغاز شد:

الف) کودکانی که از لحاظ اجتماعی توانا و رشدیافته بودند، یعنی در استقلال، اتکا به خود، دوستی و جهت‌گیری به سوی پیشرفت رتبه بالایی گرفته بودند.

ب) کودکانی که رشدیافته نبودند، یعنی اتکا به خود، میل به کاوش و کنترل بر خود در آن‌ها بسیار کم بود.

ج) کودکانی که بین این دو گروه قرار داشتند، یعنی نه از لحاظ اجتماعی توانا و رشدیافته بودند و نه رشدیافته و در کنترل خود، ضعیف.

باوم ریند الگوی فرزندپروری والدین این سه گروه را به ترتیب قاطع و اطمینان‌بخش، مستبد و سهل‌گیر خواند که هر کدام واجد خصوصیتی به شرح زیر بودند:

والدین قاطع و اطمینان‌بخش: این گروه در مقایسه با سایر گروه‌ها گرم‌تر و با محبت‌تر بودند و با فرزندان خود رابطه برقرار می‌کردند. در عین حال، آنان را کنترل می‌نمودند و از آنان توقع رفتار عاقلانه داشتند. هر چند که به استقلال و تصمیمات فرزندان خود احترام می‌گذاشتند، کنترل را با هدایت و تشویق خودمختاری و استقلال کودک تلفیق می‌کردند.

والدین مستبد: این گروه از لحاظ اعمال کنترل منطقی رتبه کمتر گرفتند. آنان بیشتر بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تاکید داشتند و درضمن با فرزندان خود کمتر گرم و با محبت بودند. آنان قواعد بسیاری را به کودکان تحمیل می‌نمودند و مایل بودند از نزدیک کودکان خود را نظاره کنند.

والدین سهل‌گیر: آن‌ها فرزندان خود را کنترل نمی‌کردند، از آنان توقعی نداشتند، ولی گرم بودند. در امور خانه نظم و ترتیبی نداشتند و به آنان آموزش استقلال و اتکا به خود نمی‌دادند (ماسن و دیگران، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۳).

کسب ارزش‌های شخصی و فلسفه زندگی: یکی از وظایف مهم نوجوانی دستیابی به یک فلسفه منسجم از زندگی، از جمله ایدئولوژی مذهبی و سیاسی است. نظریه روانکاوی رشد اخلاقی تأکید زیادی بر نفس «فرامن» از طریق درونی کردن

معیارهای والدین و احساس گناهی که از رفتار بد ناشی می‌شود، دارد. نظریه شناختی - رشدی گلبگ عنوان می‌کند که قضاوت اخلاقی مطابق با مراحل جهانی و قابل پیش‌بینی، پیش می‌رود و رابطه نزدیکی با رشد شناختی دارد.

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که قضاوت‌ها و رفتارهای اخلاق از طریق یادگیری مشاهده‌ای، شرطی شدن فعال و کلاسیک آموخته می‌شوند. قضاوت‌ها و رفتارهای اجتماعی ممکن است با هم ناسازگار باشند و رفتارهای اخلاقی ممکن است از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت باشد (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

انتخاب شغل و آمادگی برای اشتغال: در مورد انتخاب شغل در واژه «انتظارات» و «ترجیحات» شغلی مطرح می‌شود که آشنایی با آن‌ها ضرورت دارد. «انتظار» به معنی چشم به راه بودن، توقع داشتن و پیش‌بینی کردن است. انتظارات شغلی شامل مشاغلی است که فرد آرزو دارد در آینده آن‌ها را احراز کند. در ترجیح شغلی، فرد از بین مشاغلی که در جدول انتظارات شغلی او قرار دارد برحسب علاقه و خواسته‌اش تعدادی از آن مشاغل را به ترتیب درجه اولویت و اهمیت انتخاب می‌کند. انتخاب شغل یکی از وقایع مهم زندگی است که برای همه انسان‌ها اتفاق می‌افتد و معمولاً کسی را از آن گریزی نیست. انتخاب درست شغل که با توانایی‌ها و رغبت‌های فرد هماهنگ باشد، علاوه بر تامین رضایت خاطر و بهداشت روانی، موجب افزایش بازدهی و کارایی نیز می‌شود. گسترش سریع تکنولوژی و افزایش تعدد، تنوع و پیچیدگی مشاغل، انتخاب درست شغل را مشکل ساخته است. برای غلبه بر این مشکل، فرد به راهنمایی افرادی آگاه و متخصص و دریافت کمک از منابع موثق نیاز شدید دارد تا بتواند خصوصیات خود، شرایط احراز مشاغل، امکانات و نیازهای جامعه را به درستی بشناسد. برای نیل به این هدف، همکاری صمیمی و جدی خانواده‌ها، کارکنان مدرسه، سازمان‌ها و نهادهای مختلف و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی، نقشی مؤثر و سرنوشت‌ساز در موفقیت برنامه راهنمایی شغلی دارد (شفیع آبادی، ۱۳۷۵).

هوش، استعداد، علاقه منبع کنترل و انگیزه پیشرفت با آرزوهای شغلی رابطه دارند. تغییرات اجتماعی - اقتصادی موجب شده است تا زنان نسبت به شاغل شدن گرایش بیشتری نشان دهند. همچنین زنان در تلاش برای کسب مشاغل سهل‌التر، پردرآمدتر

و غیرسنتی‌تر هستند. با وجود این، زنان در مشاغل سطح پایین و کم‌درآمد باقی مانده‌اند (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده: بوری^۱ (۱۹۹۱)، رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و عزت‌نفس فرزندان را مورد مطالعه قرار داد. نتیجه تحقیق نشان داد که رابطه مثبت بالایی بین اقتدار منطقی نسبت به فرزندان مستبد و آزاد گذارنده، مستقل و با

هدف بوده و اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند (بوری، ۱۹۹۱).

ریچی^۲ و همکاران (۱۹۹۴) در مورد محدوده تعیین‌شده و ماهیت توسعه کار مشاوران در زمینه مهارت‌های آموزش والدین و مشاوره والدین، تحقیقی بر روی ۲۱۳ مشاور مدرسه انجام دادند که مشخص شد هنوز ارتباط با والدین ضعیف است و مشاوران وقت کافی صرف ارتباط با والدین (خدمات مشورتی) نمی‌کنند (ریچی و همکاران، ۱۹۹۴). ناولر^۳ و تیلور^۴ (۱۹۸۹) در مورد آموزش والدین، تحقیقی بر روی ۳۱ زوج جوان انجام دادند که نتایج حاصله را مفید گزارش کردند (نولر و تیلور، ۱۹۸۹). تنیکس^۵ (۱۹۸۶) مورد با ارزشیابی برنامه ارتباط و تماس والدین در مدرسه آرامنه بوکا راتون که فرزندان آنها دارای مشکل بودند، به سه دسته تقسیم شدند. هر کدام از گروه‌های والدین به اندازه معینی با مدرسه ارتباط برقرار کردند. نتایج تحقیقات مشخص کرد که ارتباط بیشتر والدین با مدرسه باعث اصلاح رفتار و پیشرفت تحصیلی بالاتر آنها می‌شود (تنیکس، ۱۹۸۶).

کوک^۶ و همکاران (۱۹۹۱)، سبک عاطفی والدین و منظومه خانواده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند، در این تحقیق مدل ارتباط اجتماعی برای روشن کردن پویایی‌های مربوط به سبک عاطفی والدین، به عنوان راهنمای رفتار والد با کودک مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از هفتاد خانواده که به دنبال خدمات بالینی برای یک عضو نوجوان خود بودند، نشان داد که اولاً نوجوانان سبک عاطفی والدین خود را بر می‌انگیزند، به طوری که آنها را در معرض ریسک قرار می‌دهند و ثانیاً این تحریک شدن عاطفه منفی

1- Buri
2- Ritchie
3- Noller
4- Taylor
5- Tennies
6- Cook

والدین تا حد زیادی به ابراز عاطفه منفی نوجوانان نسبت به والدین خود کمک می‌کند (یعنی اثر متقابل).

برنستین^۱ و همکاران (۱۹۹۰)، استفاده از فرایند اصلاح رفتار کودکان را به مادران آموزش دادند تا بتوانند رفتار کودکان را در منزل تغییر دهند. فرزندان این مادران از لحاظ هوشی در سطح متوسطی بودند و طبق ارزیابی معلم، به رشد نایافته مزاحم و بی‌انگیزه طبقه‌بندی شدند. رفتار آن‌ها در کلاس به صورت خواب و خیال بوده و عصبانیت شدیدی از خود نشان می‌دادند. نتیجه تحقیق نشان داد که آموزش آن روش‌ها به مادران باعث کاهش شدید رفتارهای مزاحم در کلاس گردید (برنستین و همکاران، ۱۹۹۱).

کنت^۲ و کلاپتون^۳ (۱۹۹۲)، در تحقیقی با استفاده از روش گروهی، رویکرد شناختی رفتاری را به والدین نوجوانانی که از طرف سازمان‌های حمایتی ارجاع شده بودند، آموزش دادند. در آن شیوه از روش‌ها الگوسازی، فیدبک، تقویت اجتماعی، و دادن تکلیف منزل استفاده شد. در این جلسات بیشتر در مرور کنترل خشم و جایگزین کردن رفتارهای نامناسب به جای آن بحث شد. نتایج تحقیق نشان داد که والدین آموزش‌دیده بعد از آموزش، خشم کمی را در برخورد با نوجوانان نشان دادند (کنت و کلاپتون، ۱۹۹۲). روزنبرگ^۴ و همکاران (۱۹۸۲)، در خصوص مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و روابط والدین - نوجوانان با عملکرد تحصیلی آنان در دوره راهنمایی بررسی شده است. مجموعه‌ای از ۱۲۰ خانواده با فرزند اول که سن آن‌ها بین ۱۶-۱۱ سال بود در این تحقیق مشارکت داشتند. ارزیابی مسئولیت‌پذیری نوجوانان شامل میزان خوداتکایی، گرایش شغلی، مقاومت در برابر فشار همسالان و مشارکت در مسئولیت‌های خانوادگی بود. در کل، بررسی‌های مقطعی نشان دادند که مسئولیت‌پذیری نوجوانان مجموعه عمل والدین که به عنوان اقتدار توصیف شده است با موفقیت تحصیلی رابطه دارند. اما تحقیقات طولی نشان دادند که مسئولیت‌پذیری یک همبستگی است تا یک پیش‌آیند، موفقیت تحصیلی در حالی که اقتدار والدین را افزایش می‌دهد. بنابر دلایلی هنوز مشخص نیست نوجوانی که والدین آنها نسبتاً سهل‌گیر، بیشتر پذیرنده و از لحاظ روان‌شناختی کنترل

1- Bernstein
2- Kont
3- Clopton
4- Rosenberg

کمتری داشتند، در مدرسه از همکلاسی‌هایشان عملکرد بهتری داشتند (روزنبرگ و همکاران، ۱۹۸۶).

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش عبارت است از کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان‌های استان تهران که در سال ۸۵-۸۴ در یکی از پایه‌های مقطع راهنمایی مشغول تحصیل بودند. تعداد افراد گروه نمونه چهل نفر از دانش‌آموزان ناسازگار در مقطع راهنمایی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان افراد جامعه آماری انتخاب شدند. براساس این روش از شهرستان‌های آموزش و پرورش شهر تهران دو شهرستان دماوند و شهریار به روش کاملاً تصادفی انتخاب و فهرستی از مدارس راهنمایی دخترانه آن‌ها تهیه شد، سپس سه مدرسه از هر ناحیه (جمعاً شش مدرسه) با روش تصادفی ساده انتخاب می‌شدند و در مرحله آخر چهل نفر به عنوان نمونه از مدارس منتخب با توجه به ملاک در نظر گرفته شده انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. روند کار بدین صورت بود که پس از انتخاب سه مدرسه از هر شهرستان به صورت تصادفی ساده، به این مدارس مراجعه شد، و با مسئولان مربوطه راجع به تحقیق و ویژگی‌های نوجوانانی که باید به عنوان آزمودنی مورد بررسی قرار گیرند گفتگو شد. در مرحله بعد، از معلمان دانش‌آموزان انتخاب‌شده تقاضا شد که با توجه به ملاک‌های پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین و نظر شخصی خود پاسخ دهند و به دنبال آن والدین دانش‌آموزان سه مدرسه دعوت شدند و از آنها خواسته شد که پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین که در این مقطع سنی توسط محقق در شهرستان‌های استان تهران در مقطع راهنمایی هنجاریابی شده بود، پاسخ دهند. در صورتی که دانش‌آموزی هم از نظر والدین و هم از نظر معلم ناسازگار تشخیص داده شده بود در لیست افراد نمونه قرار می‌گرفت به این ترتیب چهل نفر دانش‌آموز ناسازگار از شش مدرسه از دو شهرستان استان تهران به عنوان افراد نمونه تحقیق انتخاب شدند که از این تعداد بیست نفر به عنوان گروه آزمایش و بیست نفر به عنوان گروه کنترل برای شرکت در تحقیق در نظر گرفته شدند.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق حاضر، روش نیمه‌آزمایشی است؛ طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش خانواده در ایجاد سازگاری در نوجوانان ناسازگار انجام شد. طرح کلی پژوهش شامل مقایسه تأثیر آموزش خانواده بر گروه آزمایش (نوجوانان ناسازگاری که توسط والدین و مسئولان مدرسه و معلمان به عنوان ناسازگار شناخته شده بودند و والدین آنها از آموزش لازم در این زمینه برخوردار شدند) با گروه کنترل (نوجوانان ناسازگاری که توسط والدین و مسئولان مدرسه و معلمان به عنوان ناسازگار شناخته شده بودند، ولی والدین آنها از آموزش لازم در این زمینه برخوردار نشدند) طرح و به مورد اجرا گذاشته شد. در این پژوهش آموزش خانواده متغیر مستقل و ناسازگاری نوجوانان متغیر وابسته است. منظور از آموزش خانواده ارائه اطلاعات و روان‌شناختی درباره دوره نوجوانی؛ آشنا نمودن والدین با مشکلات تحصیلی، عاطفی، اجتماعی و...؛ چگونگی تربیت عاطفی، اجتماعی، دینی و جنسی و نحوه صحیح برقراری ارتباط با آنان و با محیط آموزشی (مدرسه)، همچنین آشنایی با خدمات مشاوره‌ای است که در طی جلسات آموزشی گروهی به والدین کمک شود تا دانش و توانایی‌های خود را در زمینه پرورش و تربیت نوجوانان خود به نحو مطلوبی گسترش دهند.

در این پژوهش جلسات آموزش خانواده به تعداد دوازده جلسه برگزار گردید. هر جلسه ۷۵ دقیقه بود. ابتدا حدود بیست الی سی دقیقه توسط مدرس آموزش خانواده مفاهیم و اصول رشد نوجوان و نیز نحوه رفتار با نوجوان در خصوص ناسازگاری‌ها و مشکلات این دوره با استفاده از روش سخنرانی و کارگاهی تدریس شد و سپس به مدت بیست الی سی دقیقه به آموزش تکنیک‌های رفتاردرمانی به والدین پرداخته شد. در طول دوره آموزش پس از هر دو یا سه جلسه یک جلسه به پرسش و پاسخ و مرور آموزش‌های جلسات گذشته اختصاص یافت. در این جلسات از مدرسان آموزش خانواده در سطح شهر و شهرستان‌های استان تهران استفاده شد هم‌چنین در پژوهش حاضر منظور از ناسازگاری نوجوانانی هستند که توسط مسئولان مدرسه و معلمان و والدین مطابق با ملاک‌های ارائه شده موجود در پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین که توسط نگارنده در مقطع سنی دوازده تا پانزده سال در میان دانش‌آموزان مقطع

راهنمایی شهرستان‌های استان تهران هنجاریابی شده، همچنین نمره‌ای که در این پرسش‌نامه کسب کرده‌اند به عنوان ناسازگار تشخیص داده شده‌اند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین به عنوان تشخیص دانش‌آموزان ناسازگار استفاده شد. برای اجرای پرسش‌نامه مذکور، ابتدا از معلمان دانش‌آموزان تقاضا شد با توجه به ملاک‌های معرفی‌شده در پرسش‌نامه با دقت و براساس مشاهدات خود از دانش‌آموزان، نظر خود را بگویند. سپس از والدین دانش‌آموزان (بیشتر مادران بودند) که توسط معلم به عنوان ناسازگار شناخته شده بودند به طور جداگانه برای حضور در یک جلسه در محل مدرسه دعوت شد.

پرسش‌نامه ارزیابی کانرز فرم والدین

این پرسش‌نامه که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته در سال ۱۹۶۹ توسط کانرز ارائه شد و هم‌اکنون دارای ۴۸ ماده است و طیف وسیعی از مشکلات رفتاری شایع در بین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری را در بر می‌گیرد. این فهرست علائم رفتاری، توسط والدین و براساس مشاهدات و اطلاعات ایشان در مورد رفتارهای کودک و نوجوان پاسخ داده می‌شود. در این پرسش‌نامه چهار درجه از نظر شدت و ضعف مشکل رفتاری در نظر گرفته شده است. از والدین (به ویژه مادر) خواسته می‌شود که اگر یک مشکل رفتاری در نوجوان مورد نظر اصلاً وجود ندارد، گزینه اول را علامت بزنند. اگر مشکل رفتاری وجود دارد ولی دارای شدت کمتری است، گزینه دوم را علامت بزنند. اگر مشکل رفتاری وجود دارد و شدت آن در حد متوسط است گزینه سوم را علامت بزنند و به همین ترتیب اگر شدت مشکل بسیار زیاد است، گزینه چهارم را علامت بزنند.

در زمان نمره‌گذاری این پرسش‌نامه‌ها اگر گزینه اول (هیچ) علامت زده شده بود، نمره‌ای منظور نمی‌گردد. اگر گزینه دوم (کمی) علامت خورده بود، یک نمره منظور می‌گردد. اگر گزینه سوم (متوسط) علامت خورده بود، دو نمره و بالاخره اگر گزینه چهارم علامت خورده بود، سه نمره منظور می‌گردد. جمع نمرات به دست آمده در هر

پرسش‌نامه، نمره کل فهرست علائم رفتاری را تشکیل می‌دهد. نمرات به‌دست آمده از هر پرسش‌نامه و هر آزمودنی پایه‌ای برای بررسی تفاوت‌های موجود در بین آزمودنی‌ها در درون یک گروه و مقایسه بین گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون است. مطالعات روی مقیاس درجه‌بندی والدین کانرز نشان می‌دهد که از اعتبار و پایایی کافی برخوردار است (کانرز، ۱۹۸۵).

به علاوه تحلیل عاملی تهیه شده، پنج عامل اولیه تهیه شده به وسیله مقیاس را حمایت می‌کند (ساتلر^۱، ۱۹۹۲). ثابت شده است که مقیاس درجه‌بندی کانرز از ثبات درونی، پایایی بازآزمایی و پایایی قضاوت‌کننده خوبی برخوردار است، همچنین از لحاظ آماری همبستگی معناداری بین معلم - معلم و مادر - پدر وجود دارد (کانرز، ۱۹۹۰). از این ابزار در فرهنگ‌ها به طور گسترده استفاده شده است (بریتو^۲ ۱۹۸۷، هالبورو^۳ و بری^۴ ۱۹۸۶، الیری^۵، ویون^۶ و نیسی^۷ ۱۹۸۵، شان^۸، ونگ^۹ و یانگ^{۱۰} ۱۹۸۱، تورلی^{۱۱} ۱۹۸۳، یائو^{۱۲}، سولاتو^{۱۳} و وندر^{۱۴} ۱۹۸۸).

مشکلات رفتاری که به وسیله مقیاس‌های درجه‌بندی کانرز نمونه‌برداری شدند، در تمام مطالعات با درجات فراوانی متفاوت یافته شدند (رونبرگ، جینی^{۱۵} ۱۹۹۵).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مرحله جداول نمرات خام، فرم میزان ضریب پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و فرمول حاصل جمع‌ها محاسبه شد. با تحلیل عاملی انجام شده، ساختار عاملی به دست آمده از مقیاس‌ها مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن میزان ضریب اعتبار

- 1- Sattler
- 2- Brito
- 3- Holborow
- 4- Berry
- 5- Oleary
- 6- Vivion
- 7- Nisi
- 8- Shan
- 9- Wang
- 10- Yang
- 11- Thorley
- 12- Yao
- 13- Solanto
- 14- Wender
- 15- Jani

آزمون بررسی شد. تجزیه و تحلیل آماری این پژوهش (بخش هنجاریابی ابزار اندازه گیری با استفاده از نرم افزار spss صورت گرفت.

در روش آماری میانگین و انحراف استاندارد به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی محاسبه و نمودارهای مختلف نشان داده شد، همچنین با استفاده از آمار استنباطی و آزمون t برای میانگین‌های مستقل و وابسته به بررسی معنادار بودن اختلاف مشاهده شده بین میانگین‌های تفاوت نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل و همچنین پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر یک از گروه‌های آزمایش و کنترل پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه تحقیق: آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار دختر در مقطع راهنمایی مؤثر است.

جدول ۱: آزمون برای مقایسه میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل

شاخص	گروه آزمایش		گروه کنترل	
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
مجموع نمرات	۱۲۶۸	۹۲۳	۱۱۳۷	۱۱۷۵
میانگین	۶۶/۷۴	۴۸/۵۸	۵۹/۸۴	۶۱/۸۴
انحراف معیار	۱۸/۴۹	۱۵/۶۴	۱۶/۹۱	۲۱/۲۱
واریانس	۳۴۱/۷۶	۲۴۴/۷۰	۲۵۸/۹۲	۴۴۹/۷۰

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 \quad \text{۱- فرض صفر:}$$

$$H_A: \mu_1 > \mu_2 \quad \text{۲- فرض تحقیق:}$$

به این دلیل از آزمون وابسته استفاده گردید که مقایسه میانگین‌های پیش‌آزمون و

$$D = \frac{4D}{N} \quad \text{پس‌آزمون در داخل یک گروه بود. میانگین اختلاف بین نمره‌ها:}$$

خطای استاندارد تفاوت بین نمره‌های آزمودنی

$$df = n-1$$

درجه آزادی

$$\alpha = 0.01$$

احتمال خطا

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش

جدول t احتمال خطای ٪۱	t محاسبه شده	تعداد	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های محاسبه شده آزمودنی‌ها
۲/۵۵	۵/۲۵	۱۹	۱۸/۴۸	۶۶/۷۳	گروه آزمایش نمرات پیش‌آزمون
		۱۹	۱۵/۶۴	۴۸/۵۷	گروه آزمایش نمرات پس‌آزمون

چون قدر مطلق t محاسبه شده ۱۵/۲۵۱ بزرگ‌تر از t جدول با سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ درجه آزادی ۱۸ است، به این ترتیب با ۹۹٪ اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش در پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین تفاوت معناداری وجود دارد. به سخن دیگر، آموزش والدین در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مؤثر است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل

جدول t احتمال خطای ٪۱	t محاسبه شده	تعداد	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های محاسبه شده آزمودنی‌ها
۲/۵۵	-۰/۸۳	۱۹	۱۵/۹	۵۹/۸۴	گروه آزمایش نمرات پیش‌آزمون
		۱۹	۲۱/۳	۶۱/۸۴	گروه آزمایش نمرات پس‌آزمون

چون قدر مطلق t محاسبه شده ۰/۸۳۱ کوچک‌تر از t جدول با سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ درجه آزادی ۱۸ است بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود. به این ترتیب با ۹۹٪ اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش در پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین تفاوت معناداری وجود ندارد. به سخن دیگر، عدم آموزش والدین در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مؤثر نیست. آزمون t برای مقایسه میانگین‌های تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل.

$$۱- فرض صفر: H_0 : \mu_1 = \mu_2 = 0$$

$$۲- فرض تحقیق: H_A : \mu_1 > \mu_2$$

۳- مشخصات آماری: $\bar{X}_1 - \bar{X}_2$

به این دلیل از آزمون t مستقل استفاده می‌کنیم که مقایسه میانگین‌های تفاوت نمرات دو گروه آزمایش و کنترل است

$$\alpha = 0/01 \quad \text{احتمال خطا}$$

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و کنترل

شاخص‌های محاسبه شده آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t محاسبه شده	t جدول احتمال خطای ۱٪
گروه آزمایش نمرات پیش آزمون	۱۸/۱۵	۱۵/۰۹	۱۹	۴/۷۷	۲/۴۲
گروه آزمایش نمرات پس آزمون	۲	۱۰/۵۵	۱۹		

چون قدر مطلق t محاسبه شده (۴/۷۷۱) بزرگتر از t جدول با سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ و درجه آزادی ۳۴ می‌باشد، بنابراین فرض صفر رد می‌شود. به این ترتیب با ۹۹٪ اطمینان نتیجه می‌شود که بین میانگین‌های تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و کنترل در پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری کانرز فرم والدین تفاوت معناداری وجود دارد. به سخن دیگر، آموزش والدین در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مؤثر است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحقیق، بی‌شک خانواده، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پرورشگاه و آموزشگاه فرد است و یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی عمده جامعه محسوب می‌شود. بنابراین بیان هرگونه سخن و اندیشه‌ای درباره تربیت فرد به ویژه کودک، نوجوان و جوان، بدون توجه به نقش حیاتی خانواده، سخن و اندیشه نادرستی قلمداد می‌گردد. از این رو به آموزش والدین، تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده، استفاده از روش خانواده درمانی و مطالعه وضعیت و موفقیت نوجوان یا جوان در خانواده همواره به عنوان راهبرد پیشگیری معرفی می‌شوند. تمام این تلاش‌ها از این فکر نشأت می‌گیرد که یک نظام تربیتی اثربخش، پویا و سالم، نظامی است که باید از همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی خانواده‌های سالم، آگاه و با نشاط برخوردار باشد. به همین ترتیب

تمام این کوشش‌ها مبتنی بر این اصل است که « توانایی » مادران، پدران، معلمان، مربیان و برنامه‌ریزان تربیتی در امر تربیت و تعلیم کودکان و نوجوانان، این سرمایه‌های واقعی جامعه، درگرو دانایی‌های آنان در زمینه اصول، فنون و هنر تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و دانش‌های وابسته است. در این مورد به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین قدم در فرایند تعلیم و تربیت، آشنا کردن اولیا و مربیان به اصول و روش‌های برقراری رابطه انسانی و سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش خانواده است. در این مسیر باید این فکر را مورد تأیید قرار داد که فرزندان، در درجه اول محصول تربیتی خانواده هستند و اساس شخصیت نسل آینده در خانواده شکل می‌گیرد.

در این پژوهش، در دوازده جلسه آموزش خانواده مفاهیم و آموزش‌های ذیل موجب کاهش ناسازگاری نوجوانان شده بود ۱- آشنایی والدین با محتوا و فرایند جلسات، ۲- آگاهی والدین نسبت به تاریخچه مطالعات و نظرات صاحب نظران راجع به نوجوانی، ۳- آشنایی با کاربرد اصول اصلاح رفتار، ۴- آشنایی والدین با شیوه‌های فرزندپروری، ۵- آگاهی والدین با ضرورت انضباط در فرایند اجتماعی شدن نوجوان، ۶- آگاهی والدین از روابط معیوب والدین و فرزندان و نحوه تأثیر آن در شخصیت نوجوان، ۷- آشنایی با ویژگی‌های رشد در دوره نوجوانی (دوازده تا پانزده سال)، ۸- آموزش ثبات به والدین، آن‌چنان که نوجوان بفهمد در مقابل رفتار خاص چه واکنشی وجود دارد، ۹- آموزش والدین نسبت به اصول و روش‌های برقراری رابطه انسانی با فرزندان، ۱۰- آشنایی والدین با روش‌های پاداش دادن به رفتارهای مطلوب فرزندان، ۱۱- آشنایی والدین با روش‌های تنبیه نسبت به فرزندان، ۱۲- آشنایی والدین با مفهوم خود و رشد هویت در نوجوان، مشکلات روان‌شناختی نوجوانی و روش‌های کاهش رفتارهای نامطلوب .

در آخرین جلسه نیز ابتدا خلاصه‌ای از تمام جلسات قبلی ارائه گردید و به سؤالات اعضای شرکت‌کننده پاسخ داده شد.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. از آن جهت که نتایج پژوهش حاکی از اثر مثبت آموزش خانواده‌ها در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار است، لذا توصیه می‌شود آموزش خانواده در مدارس مستحکم‌تر گردد و نسبت به آن توجه خاص شود.

۲. تربیت مدرس آموزش خانواده باید در اولویت قرار گیرد.
۳. استفاده از پژوهش به روش‌های آزمایش و نیمه‌آزمایشی در علوم انسانی رواج بسیار کمی دارد. از طرفی این نوع پژوهش‌ها از ناب‌ترین و علمی‌ترین انواع پژوهش‌ها می‌باشد پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران و دانشجویان با به کار بردن این روش باعث بالا رفتن اعتبار تحقیقات در جامعه شده و این نوع پژوهش را اشاعه دهند.
۴. از طرفی استفاده از روش‌های آموزش خانواده باید در مدارس، به خصوص در دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی جزء وظایف مدیران منظور گردد و به آن توجه خاصی شود.
۵. والدین سعی کنند برای فرزند یا فرزندان خود پرونده‌ای تشکیل دهند که در آن بسیاری از خصوصیات آنان نظیر وضعیت جسمانی، تحصیلی و رفتاری به تدریج درج گردد، به گونه‌ای که از طریق این اطلاعات شناخت بهتر فرزندانشان ممکن گردد.
۶. والدین سعی کنند با استفاده از فنون و روش‌های مختلف کسب اطلاع نظیر مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه، بررسی کارنامه تحصیلی و ... نسبت به توانایی‌ها و محدودیت‌ها و موقعیت تحصیلی و رفتاری فرزند خود آگاهی بیشتری به دست آورند.
۷. والدین با مراکز راهنمایی و مشاوره که خدمات ویژه ارائه می‌دهند، آشنا شوند. نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات این مراکز را تهیه و به موقع و به تناسب نیاز از آنها استفاده کنند.
۸. والدین و مربیان در کلاس‌های آموزش خانواده مدارس شرکت فعال داشته باشند و با فنون شناخت فرزندان راه‌های کمک به آن‌ها و منابعی که در این زمینه وجود دارد، آشنا شوند.

منابع

الف) فارسی:

- اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون ریچارد، هیلگارد، ارنست (۱۳۸۱). **زمینه روان‌شناسی**. ترجمه دکتر محمدنقی براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- احدی، حسن، نیکچه‌ر (۱۳۸۲). **روان‌شناسی رشد بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی و جوانی**. تهران: نشر بنیاد.
- احدی، سید احمد (۱۳۸۳). **روان‌شناسی نوجوانان و جوانان**. تهران: انتشارات مشعل.
- بست، جان، (۱۳۸۳). **روش تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری**. ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، تهران: انتشارات رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۳). **روان‌شناسی نوجوان**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۱). **مسائل نوجوان و جوان**. تهران: واحد انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- دلور، علی (۱۳۸۳). **احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی**. تهران: انتشارات رشد.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). **دنیای نوجوان**. تهران: انتشارات تربیت.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۳). **نقش خانواده در رشد عواطف نوجوانان**. سمینار بررسی مسائل نوجوانان و جوانان، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۰). **راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل**. تهران: انتشارات رشد.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۰). **مبانی روان‌شناسی رشد**. تهران: انتشارات چهر.
- شفیع‌آبادی، عبدالله، (۱۳۸۱). **نون تربیت کودک**. تهران: انتشارات چهر.
- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین (۱۳۸۱). **خلاصه روان پزشکی**. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تبریز: انتشارات ذوقی.
- کاکیا، لیدا (۱۳۸۴). **تاریخچه ازدواج و آموزش خانواده در ایران**. تهران: انتشارات مهر برنا.
- کلمز، هریس (۱۳۸۰). **آموزش مسئولیت به کودکان**. ترجمه پروین علیپور، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- گینات، صمیم، **ما و نوجوانان**. ترجمه آرین انتشارات دخت آرین، تهران: وزارت آموزش و پرورش مرکز تحقیقات ملی.
- ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۸۰). **رشد و شخصیت کودک**. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- میلانی‌فر، بهروز (۱۳۸۰). **روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی**. تهران: نشر قوس.

نادری، عزت‌اله، سیف نراقی، مریم (۱۳۸۳). **روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی**. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
 هومن، حیدرعلی (۱۳۸۳). **پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری**. تهران: انتشارات پیک فرهنگ.
 (ب) لاتین:

- Bernstein, G.A., P.H. Svingen and B.D. Garfinkel (2000). **School Phobia: Patterns of Family Functioning**. Journal of American academy of child and adolescents Psychiatry. 29, 24, 30.
- Buri, J. (2003). **Parental Authority Questionnaire**. Journal of personality assesement 57, 110, 119.
- Conners, C.K.E. (2005). **A Teacher Rating Scale for Use in Prug Studies with Children**. Amer J. Psychaiatry. 126 December 1969. PP.884, 888.
- Cook, W.L., D.A. Kenny and M.J. Goldestein (1991). **Parental Affective Style Risk and the Family System: A School Relations Model Analysis**. Journal of Abnormal Psychology, 100, 492-501.
- Noller, patricia and Robert Taylor (2004). **Parent Education and Family Relations**. Journal Article, Vol. 38, n2, P196-200 Apr.
- Ritchie, Matrin H. (2005). **Parent Education and Consultation Activities of School Counselors**. Journal article. Vol. 41, n3, P165-170 Apr.
- Rosenberg, leon A. and Sushma Jani (2003). **Cross-Cultural Studies with the Conners Rating Scales**. Journal of Clinical Psychology November, 2003, Vol. 51, No.6.
- Satter, I.M. (2004). **Assesment of Adaptive Behavior and Behavior Problem**. Sandiago, Publisher, Inc.
- Tennies, Robert H.A. (2002). **Patern Involvement Program Including Communication to Parent Integrated with a Parent-Education Program and its Effects on Academic Achivement**. Vol.1, N.1,P.7-13 Fall.